

در میان تمام مشکلات درون ساختاری ارتش، یک مشکل دیگر که دامن گیر ارتش بود، انتصابات بانوی اول با شعار مشارکت زنان در قدرت بود که به سلسله این فعالیت‌ها در تمام وزارت خانه‌ها، ایشان منیره یوسف زاده معاون شهرداری کابل را در سمت معاونت وزارت دفاع ملی در امور آموزش پرسنل گماشت

سقوط ارتش در افغانستان عوامل متعددی دارد که از آن میان میتوان به چند عامل عمده اشاره نمود.
۱. فساد گسترده درون ارتش
۲. تضعیف شدید روحیه جنگی میان سربازان
۳. وابستگی بیش از حد ارتش به کمالات و حمایت‌های هوایی نیروی ایالات متحده آمریکا
اما این عوامل کلیات بحث را مطرح میکند عوامل درون سازمانی دیگری در ارتش نیز وجود داشت که نقش عمده در سقوط ارتش افغانستان داشت. در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۱. تعصبات قومی و زبانی

بعد از انتصاب اسدالله خالد به سمت وزیر دفاع ملی توسط اشرف غنی، ایشان شروع به جابجایی و برکناری اشخاصی و تغییر سیاست‌ها و مقررات در داخل ساختار ارتش نمود. این تغییرات گرچه با شعار اصلاحات و بهبود شرایط جنگی در ارتش عنوان می‌شود ولی در واقع بیشتر رنگ و بوی قومی و زبانی داشت. بطور مثال روسای قوم تاجیک، هزاره، ازبک و... به مرور زمان از وظایف خود برکنار میشدند و اشخاصی از قوم پشتون نصب میشدند، که نتیجه این انتصابات حاکمیت کامل پشتون‌های مرتبط با نیروهای آمریکایی در ارتش بود. در این زمان، تعداد محدود روسا و فرماندهان از اقوام دیگر هم در راستای اهداف سیستم فعالیت میکردند و عدول از این خط مشی به مثابه حذف آنها بود و انتصاب آنها نیز یک عمل توجیهی برای پاسخ به سوالات مطرح در این مورد بود. تأثیرات این موضوع به مرور به سطوح پایین ارتش نیز سرایت کرد و آنها را نیز متأثر ساخت. همچنان تضادهای میان پشتون‌ها نیز در ساختار وجود داشت، تضادهایی که از مخالفت‌های میان پشتون‌های غلجایی و درانی نشأت میگرفت. این تضادها و تعصبات در نهایت باعث شد که روحیه در میان رده‌های پایین ارتش تضعیف شود و دیگر رغبتی برای جنگ نداشته باشند.

۲. ترغیب حذف افسران و ژنرالان بازمانده از دوران حکومت دکتر نجیب

تطبیق تفکرات غربی و خصوصاً آمریکایی در ساختار ارتش نیازمند نیروهای همفکر در سیستم بود که افسران و ژنرالان حکومت دوران حکومت دکتر نجیب یک خطر بالفعل برای دولت محسوب میشد. به همین جهت دولت به دنبال حذف این تهدیدات فرایند تقاعد ویژه (بازنشستگی ویژه) راه اندازی نمود. در این فرایند دولت به ژنرالان و افسران پیشنهاد می‌داد که اگر بصورت داوطلبانه اقدام به بازنشستگی کنند، تمام امتیازات آنها به یکبارگی و بصورت دلاری پرداخت میگردد، با در نظر داشت شرایط ارتش و وضعیت اقتصادی این پیشنهاد به مزاج این ژنرالان و افسران بسیار خوشایند می‌آمد که در نهایت این فرایند به بهترین شکل ممکن انجام شد و همچنان اشخاص جوان و بی تجربه نیز جایگزین آنها شد.

۳. جوان سازی ارتش و انتصابات سلیقه‌ای

بعد از حذف افسران و ژنرالان ارتش اسبق و مخالفان تفکر غربی از ارتش، مقامات وزارت دفاع و ریاست جمهوری با شعار جوان سازی ارتش، بدنبال جایگزین کردن اشخاص جدید که در واقع دست پرورده نیروهای غربی بودند، جوانان تحصیل کرده در کشورهای غربی عمدتاً آمریکارا با ترفیع‌های خلاف قانون به رتبه‌های ژنرالی رساندند. در ارتش اصطلاحاً آنها را ژنرال‌های فراشتی مینامیدند. بطور مثال میتوان از ژنرال سمیع سادات، ژنرال علیزی، ژنرال موسی وردگ و... یاد کرد.

۴. انتصابات بی بی گل (بانوی اول کشور)

در میان تمام مشکلات درون ساختاری ارتش، یک مشکل دیگر که دامن گیر ارتش بود، انتصابات بانوی اول با شعار مشارکت زنان در قدرت بود که به سلسله این فعالیت‌ها در تمام وزارت خانه‌ها، ایشان منیره یوسف زاده معاون شهرداری کابل را در سمت معاونت وزارت دفاع ملی در امور آموزش پرسنل گماشت. معاونت تعلیمات پرسنل کلیدی ترین و حرفه ای ترین جایگاه وزارت دفاع ملی بود که مستلزم یک شخص آگاه در امور نظامی و تعلیماتی می بود ولی منیره یوسف زاده بدون هیچ گونه آگاهی از مسایل نظامی با دخالت مستقیم شخص بانوی اول کشور در مهم ترین جایگاه وزارت دفاع ملی منصوب شد. در نهایت میتوان عوامل فوق را در تضعیف روحیه جمعی ارتش که منجر به سقوط و عدم مقاومت در برابر نیروهای طالبان تاثیر گزار دانست.